

بررسی میزان استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

دکتر علی نیکخواه آزاد CPA^۱

علی ابراهیمی کردلر^۲

چکیده مقاله

مدیران مالی با مسایل سرمایه‌گذاری وجوه در دارایی‌ها، کسب بهترین ترکیب تأمین مالی و تقسیم سود به منظور افزایش ارزش کلی مؤسسه روبرو هستند. در صورت استفاده درست از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی، مدیران با اطمینان بیشتری قادر خواهند بود تصمیمات صحیحی را اتخاذ نمایند.^۳

این تحقیق به بررسی میزان استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی در

۱- دانشیار حسابداری، دانشگاه تهران

۲- کارشناس ارشد حسابداری

3- R. H. Berry and S. Nix, "Regression Analysis vs. Ratio in the Cross Section Analysis of Financial Statements," *Accounting Behavioral Research*, (Spring 91), p. 112.

شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران می‌پردازد. نتایج حاصله از این تحقیق نشان داد که در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل نسبت‌ها، بودجه‌بندی عملیاتی، بودجه‌بندی نقدی، بودجه‌بندی سرمایه‌ای، تجزیه و تحلیل اهرم‌ها و تجزیه و تحلیل نقطه سربسر استفاده می‌شود. لیکن در شرکت‌های مذکور تکنیک‌های مدیریت دارایی‌های جاری، مدیریت بدهی‌های جاری، تعیین ساختار سرمایه، تعیین سیاست‌های تقسیم سود و ارزیابی قیمت سهام بکار گرفته نمی‌شوند.

تحقیق حاضر همچنین اهمیت هر یک از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی را از دیدگاه مسوولان شرکت‌های تابعه سازمان گسترش مشخص نموده و تأثیر فقدان سیستم اطلاعاتی مؤثر و پایین بودن سطح دانش و تجربه پرسنل مالی شرکت‌های مزبور را بر محدودیت در استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی بیان می‌دارد.

واژه‌های کلیدی

تجزیه و تحلیل نسبت‌ها - بودجه‌بندی - مدیریت دارایی‌های جاری - مدیریت بدهی‌های جاری - تعیین ساختار سرمایه - تعیین سیاست‌های تقسیم سود.

مقدمه

مدیریت مالی به آن دسته از فعالیت‌های مدیریتی گفته می‌شود که با برنامه‌ریزی و کنترل مالی شرکت در ارتباط می‌باشد. مدیریت مالی، به عنوان یک فعالیت مستقل رشته‌ای نوپا می‌باشد به طوری که تا سال ۱۸۹۰ شاخه‌ای از علم اقتصاد بوده است. وظایف مدیریت مالی دربرگیرنده تحصیل وجوه، سرمایه‌گذاری آنها در دارایی‌ها و تقسیم عواید حاصل از دارایی‌های مزبور بین سهامداران می‌باشد که به ترتیب تصمیمات تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و تقسیم سود اطلاق می‌گردد. علیرغم انجام این وظایف، یک شرکت در صدد ایجاد توازن بین جریان‌های ورودی و خروجی وجه نقد می‌باشد، که این امر در قالب یکی از وظایف مدیران مالی به صورت تصمیمات نقدینگی انجام می‌گیرد.^۱

انجام وظایف فوق نیازمند دید کلی و خلاقیت لازم بوده و مستلزم بکارگیری آگاهانه

1- I. M. Pandey, *Essentials of Financial Management*, Vicks Publishing (1996), p. 6.

تکنیک‌های مربوطه است که تقریباً بر تمام امور مؤسسات و محیط خارجی آنان نیز اثر می‌گذارد.^۱ در صورت استفاده درست از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی، مدیران با اطمینان بیشتری قادر خواهند بود تصمیمات صحیحی را اتخاذ نمایند.

با لحاظ کردن محدودیت‌های موجود در شرایط کنونی، استفاده بهینه از منابع کشور را قادر خواهد ساخت تا در شرایط رقابتی دنیای امروز بتواند از وابستگی‌های خود بکاهد. سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با داشتن ۲۰۲ شرکت تحت پوشش، بخش اعظم منابع اقتصادی کشور را در اختیار دارد. کل دارایی‌های ۱۱۴ شرکت تابعه آن در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۱۵ میلیارد ریال بوده^۲ و لذا نحوه تخصیص و استفاده از این منابع می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد کشور داشته باشد. در چنین شرایطی است که استفاده از ابزارهای تصمیم‌گیری مدیریت مالی در راستای اتخاذ تصمیمات بهینه می‌تواند حائز اهمیت بسزا باشد.

هدف اساسی این تحقیق بررسی میزان استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران می‌باشد. هدف دیگر تحقیق شناسایی میزان اهمیت هر یک از این تکنیک‌ها از دیدگاه مدیران می‌باشد.

در این تحقیق همچنین به شناسایی عوامل و موانع بکارگیری تکنیک‌های تصمیم‌گیری مالی پرداخته خواهد شد و در نهایت پیشنهادات عملی در جهت رفع موانع احتمالی موجود بر سر راه استفاده از تکنیک‌های مزبور در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ارائه خواهد گردید. انتظار می‌رود که نتایج تحقیق زمینه‌ای مساعد جهت استفاده از تکنیک‌های با اهمیت مدیریت مالی در شرکت‌های مذکور فراهم آورد.

1- R. H. Pike, "An Empirical Study of the Adoption of Sophisticated Capital Budgeting Practices and Decision Making Effectiveness," *Accounting Behavioral Research*, (Autumn 1988), p. 349.

۲- طبق صورت‌های مالی تلفیقی سازمان گسترش و شرکت‌های تابعه در سال ۱۳۷۵.

فرضیات تحقیق

در راستای تحقق هدف اصلی تحقیق - - بررسی میزان استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مالی در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران - - فرضیاتی بشرح ذیل طراحی گردیدند:

- فرضیه ۱- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل نسبت‌ها استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۲- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های بودجه‌بندی عملیاتی استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۳- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های بودجه‌بندی نقدی استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۴- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های بودجه‌بندی سرمایه‌ای استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۵- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل اهرم‌ها استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۶- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل نقطه سربسر استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۷- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های مدیریت دارایی‌های جاری استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۸- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های مدیریت بدهی‌های جاری استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۹- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های تعیین ساختار سرمایه استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۱۰- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های تعیین سیاست‌های تقسیم سود استفاده نمی‌شود.
- فرضیه ۱۱- در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع

ایران از تکنیک‌های ارزیابی قیمت سهام استفاده نمی‌شود.

علاوه بر فرضیات فوق‌الذکر، اطلاعات مربوط به اهمیت هر یک از تکنیک‌های مدیریت مالی از دیدگاه مسوولان مالی شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و همچنین تأثیر فقدان سیستم اطلاعاتی مؤثر و پایین بودن سطح دانش و تجربه پرسنل مالی بر سطح استفاده از این تکنیک‌ها جمع‌آوری و بر مبنای اولویت ارائه می‌شود.

روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق، جامعه آماری این تحقیق را کلیه شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تشکیل می‌دهند که کل جامعه آماری تحقیق در حدود ۱۱۴ شرکت را شامل می‌شود. نمونه آماری تحقیق شامل ۸۰ شرکت بود که بطور تصادفی از مجموعه ۱۱۴ شرکت انتخاب گردیدند.

روش جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات استفاده شده در این تحقیق از طریق پرسشنامه کتبی که اعتبار ساختاری و محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفته بود جمع‌آوری گردید.^۱ پرسشنامه‌های تحقیق در دو نوبت برای نمونه آماری (آزمودنی‌ها) فرستاده شدند. پاسخ‌های مندرج در پرسشنامه استرداد نوبت اول و دوم با یکدیگر مقایسه تطبیقی شدند و از نقطه نظر آماری اختلاف با اهمیتی بین پاسخ‌های دو نوبت مشاهده نشد. فقدان اختلاف با اهمیت بین پاسخ‌ها، می‌تواند مؤید این امر باشد که «پاسخ‌ندادگان» به پرسشنامه موجب مخدوش کردن اعتبار یافته‌های تحقیق نگردیده است.^۲

پرسشنامه متشکل از چهار بخش بود. در بخش اول تعداد یازده سؤال در رابطه با

1- Ali N. Azad, "Time-Budget Pressure and Filtering of Time Practices in Internal Auditing - A Survey," *Managerial Auditing Journal*, (December 1994), pp. 3-11.

2- Ibid.

فرضیات تحقیق وجود داشت و صرفاً دارای دو جواب بلی یا خیر بود. همچنین در این بخش میزان اهمیت هر یک از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی مورد پرسش قرار گرفتند. در بخش دوم، تأثیر فقدان سیستم اطلاعاتی مناسب بر محدود نمودن استفاده از این تکنیک‌ها و در بخش سوم تأثیر پایین بودن سطح دانش و تجربه پرسنل مالی بر استفاده از تکنیک‌ها مطرح شدند. در بخش چهارم، اطلاعات عمومی مربوط به پاسخ دهندگان جمع‌آوری گردیدند. مخاطبین پرسشنامه تحقیق اکثراً مسوولان مالی شرکت‌های تابعه بودند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

همانگونه که قبلاً اشاره گردید پرسشنامه‌های این تحقیق در دو نوبت مختلف بین آزمودنی‌ها توزیع گردید که از پرسشنامه‌های ارسالی در نوبت اول ۳۱ پرسشنامه کامل شده قابل استفاده دریافت گردید و در نوبت دوم ۳۴ پرسشنامه تکمیل شده قابل استفاده دریافت گردید. در طی دو نوبت تعداد ۶۵ پرسشنامه تکمیل شده قابل استفاده از کل ۸۰ پرسشنامه ارسالی دریافت گردید.

جهت حصول اطمینان از اینکه پاسخ‌های بالقوه پاسخ‌ندگان به پرسشنامه باعث آلودگی اطلاعات نگردیده است، پاسخ‌های دریافتی نوبت اول با پاسخ‌های دریافتی نوبت دوم پرسشنامه مقایسه گردیدند. برای این کار پاسخ‌های مربوط به آزمون فرضیات حاصل از دو سری پرسشنامه با هم مقایسه شدند که جهت این مقایسه از تست آماری T (t - test) استفاده شد.

نتایج آزمون t - test در سطح اطمینان ۹۵٪، تفاوت مهم آماری بین پاسخ‌های دو نوبت پرسشنامه نشان نداد. تفسیر عدم تفاوت معنی‌دار بین پاسخ‌های دو نوبت می‌تواند اطمینان خاطر نسبی فراهم کند که اطلاعات استفاده شده در این تحقیق عاری از آلودگی ناشی از پاسخ‌ندگان به پرسشنامه می‌باشد.

نتایج تحقیق

در این تحقیق جمعاً یازده فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون

t با فرض برابری نسبت‌ها با یک عدد ثابت (۰/۶) استفاده شده که آماره آزمون آن به دلیل برخوردار بودن از توزیع نرمال در ارتباط با تمامی فرضیه‌ها به صورت زیر بود.

$$t = z = \frac{\bar{P} - P}{\sqrt{\frac{PQ}{n}}}$$

که در آن \bar{P} بیانگر درصد عدم استفاده از تکنیک‌های مدیریت مالی مورد نظر می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها، فرض شد که اگر مخاطبین بطور میانگین ۶۰ درصد پاسخ خیر داده باشند، فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. فرضیات آماری برای تمامی فرضیات تحقیق به صورت زیر در نظر گرفته شد.

در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش از تکنیک‌ها استفاده می‌شود:

$$H_0 : \bar{P} \leq 0/6$$

در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های تابعه سازمان گسترش از تکنیک‌ها استفاده نمی‌شود:

$$H_1 : \bar{P} > 0/6$$

به عبارت دیگر در صورتی که کمیت آماره آزمون برای هر یک از فرضیات تحقیق کمتر از ۱/۶۴۵ باشد، فرضیه صفر پذیرفته می‌شود. نتایج حاصل از آزمون یازده فرضیه تحقیق برای کمیت آماره آزمون هر یک از آنها در جدول شماره ۱ خلاصه شده است. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که فرضیات ۱ تا ۶ رد شده و فرضیات ۷ تا ۱۱ پذیرفته شده‌اند.

نتایج آزمون فرضیات

این تحقیق دارای ۱۱ فرضیه اخص بود که هر یک از آنها به بررسی میزان استفاده یکی از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش پرداخته است. تمامی فرضیات مزبور در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد آزمون قرار گرفتند که از بین آنها ۶ فرضیه اول رد شده و ۵ فرضیه بعدی پذیرفته شدند.

بر اساس نتایج آزمون فرضیات، در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل نسبت‌ها، بودجه‌بندی عملیاتی، بودجه‌بندی نقدی و

جدول شماره ۱- نتایج آزمون فرضیات تحقیق

رد یا قبول فرضیه	آماره آزمون	شرح تکنیک‌ها	شماره فرضیه
رد	-۱۰/۵۲	تجزیه و تحلیل نسبت‌ها	فرضیه اول
رد	-۶/۸۶	بودجه‌بندی عملیاتی	فرضیه دوم
رد	-۶/۳۵	بودجه‌بندی نقدی	فرضیه سوم
رد	-۰/۲۷	بودجه‌بندی سرمایه‌ای	فرضیه چهارم
رد	۰/۲۸	تجزیه و تحلیل اهرم‌ها	فرضیه پنجم
رد	۰/۲۸	تجزیه و تحلیل نقطه سرسبز	فرضیه ششم
قبول	۲/۱۲	مدیریت دارایی‌های جاری	فرضیه هفتم
قبول	۲/۱۲	مدیریت بدهی‌های جاری	فرضیه هشتم
قبول	۱/۷۸	ساختار سرمایه	فرضیه نهم
قبول	۱/۷۸	سیاست تقسیم سود	فرضیه دهم
قبول	۲/۱۲	ارزیابی قیمت سهام	فرضیه یازدهم

بودجه‌بندی سرمایه‌ای، تجزیه و تحلیل اهرم‌ها و تجزیه و تحلیل نقطه سرسبز استفاده می‌شود ولی از تکنیک‌های مدیریت دارایی‌های جاری، مدیریت بدهی‌های جاری، تعیین ساختار سرمایه، تعیین سیاست‌های تقسیم سود و ارزیابی قیمت سهام استفاده نمی‌شود.

فرضیه‌های استفاده از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل نسبت‌ها، بودجه‌بندی عملیاتی و بودجه‌بندی نقدی با تفاوت بسیار بالایی رد شدند (فرضیات تحقیق به صورت منفی تبیین گردیده بودند)، به طوری که می‌توان گفت اکثر شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تکنیک‌های مزبور استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که علل عمده استفاده از این تکنیک‌ها، ضروری بودن تهیه بودجه‌های عملیاتی و نقدی و همچنین تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی سالانه از نظر سازمان گسترش می‌باشد که شرکت‌ها را ملزم به انجام این کار

نموده است.

لازم به ذکر است که اگر چه فرضیه‌های استفاده از تکنیک‌های بودجه‌بندی سرمایه‌ای، تجزیه و تحلیل اهرم‌ها و تجزیه و تحلیل نقطه سرسبز مورد تأیید قرار نگرفت، ولی تعداد کثیری از پاسخ دهندگان عدم استفاده از تکنیک‌های مزبور را اعلام داشته بودند.

در ارتباط با تکنیک‌های مدیریت دارایی‌های جاری و مدیریت بدهی‌های جاری با وجود اهمیت زیاد آنها، فرضیه عدم استفاده تأیید شد. وجود مشکل نقدینگی اکثر شرکت‌ها در عمل مؤید نتیجه حاصل از این فرض می‌باشد.

شاید دلیل عدم استفاده از تکنیک‌های تعیین ساختار سرمایه و تعیین سیاست‌های تقسیم سود، محدود بودن مدیران شرکت‌ها در انجام این وظایف و تعیین آنها از طرف مجامع شرکت (سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران) باشد.

با توجه به اینکه اکثر شرکت‌های سازمان گسترش در خارج از بورس اوراق بهادار فعالیت داشتند و همچنین در زمینه سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها فعال نیستند، استفاده از تکنیک ارزیابی قیمت سهام برای بسیاری از آنها مورد نداشته باشد.

بررسی اهمیت تکنیک‌های مدیریت مالی

در این تحقیق جهت تعیین میزان اهمیت هر یک از تکنیک‌ها، از آزمودنی‌ها درخواست شده بود که با استفاده از معیار درجه‌بندی:

۱- بسیار کم اهمیت

۲- کم اهمیت

۳- با اهمیت متوسط

۴- با اهمیت زیاد

۵- با اهمیت بسیار زیاد

مبادرت به سنجش اهمیت تکنیک‌ها نمایند. جدول شماره ۲ میانگین و انحراف استاندارد را برای هر یک از تکنیک‌ها به معرض نمایش می‌گذارد.

جدول شماره ۲ - طبقه‌بندی تکنیک‌ها بر مبنای اهمیت

رتبه	تفکیک	میانگین	انحراف استاندارد
۱	بودجه‌بندی نقدی	۳/۷۳	۱/۱۷
۲	بودجه‌بندی سرمایه‌ای	۳/۴۷	۱/۱۶
۳	بودجه‌بندی عملیاتی	۳/۴۳	۱/۱۳
۴	تجزیه و تحلیل نسبت‌ها	۳/۳۶	۱/۰۶
۵	مدیریت بدهی‌های جاری	۳/۳۲	۱/۰۵
۶	مدیریت دارایی‌های جاری	۳/۲۴	۱/۰۵
۷	تجزیه و تحلیل نقطه سربسر	۳/۲۴	۱/۳۰
۸	تجزیه و تحلیل اهرم‌ها	۳/۱۹	۱/۱۷
۹	تعیین ساختار سرمایه	۳/۰۸	۱/۰۲
۱۰	تعیین سیاست‌های تقسیم سود	۲/۹۷	۱/۵۰
۱۱	ارزیابی قیمت سهام	۲/۷۰	۱/۶۴

در راستای هدف اول تحقیق، و به منظور تعیین اهمیت هر یک از تکنیک‌های مدیریت مالی، از پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه درخواست شده بود که با استفاده از معیار درجه‌بندی از ۱ الی ۵ که در آن، ۱ معرف اهمیت بسیار کم و ۵ معرف اهمیت بسیار زیاد بود، مبادرت به سنجش میزان اهمیت هر یک از تکنیک‌ها نمایند. بر مبنای یافته‌های تحقیق تنها دو تکنیک دارای اهمیت پایین‌تر از ۳ شناسایی گردید که عبارت بودند از تعیین سیاست‌های تقسیم سود و ارزیابی قیمت سهام که پایین بودن اهمیت این تکنیک‌ها از دیدگاه مدیران مالی شرکت‌ها می‌تواند یکی از دلایل عدم استفاده از این تکنیک‌ها محسوب گردد. علت پایین بودن اهمیت ارزیابی قیمت سهام، فعال نبودن اکثر شرکت‌های تابعه در زمینه سرمایه‌گذاری در سهام بوده و دلیل پایین بودن اهمیت تکنیک تعیین سیاست‌های تقسیم سود از دیدگاه مدیران مالی شرکت‌ها را می‌توان تعیین این سیاست‌ها از طرف سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

عنوان نمود.

قابل توجه اینکه چهار تکنیک از تکنیک‌های مورد بررسی که از بیشترین اهمیت برخوردارند عبارتند از بودجه‌بندی نقدی، بودجه‌بندی سرمایه‌ای، بودجه‌بندی عملیاتی و تجزیه و تحلیل نسبت‌ها، که استفاده از آنها در آزمون فرضیه‌های تحقیق به تأیید رسید. به طور میانگین تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی از دیدگاه مدیران مالی شرکت‌های تابعه از اهمیت ۳/۲ برخوردارند.

همانطور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، تکنیک‌های بررسی شده در این تحقیق بر مبنای اهمیت هر یک طبقه‌بندی شده‌اند که در آن بودجه‌بندی نقدی و ارزیابی قیمت سهام به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان اهمیت برخوردار بودند و رتبه‌های ۱ و ۱۱ را به خود اختصاص دادند. رتبه‌های ۲ الی ۶ به ترتیب به بودجه‌بندی سرمایه‌ای، بودجه‌بندی عملیاتی، تجزیه و تحلیل نسبت‌ها، مدیریت بدهی‌های جاری و مدیریت دارایی‌های جاری تعلق گرفتند. تجزیه و تحلیل نقطه سربسر، تجزیه و تحلیل اهرم‌ها، تعیین ساختار سرمایه و نهایتاً تعیین سیاست‌های تقسیم سود به ترتیب مکان‌های ۷ الی ۱۰ را بخود اختصاص دادند. باید متذکر شد که انحراف استاندارد برای تمامی تکنیک‌ها بیش از یک می‌باشد. این امر نمایانگر اختلاف نظر نسبی بین پاسخ دهندگان می‌باشد که می‌تواند ناشی از تنوع فعالیت شرکت‌های تحت پوشش سازمان گسترش باشد.

عوامل محدودکننده استفاده از تکنیک‌های مدیریت مالی

همچنانکه قبلاً ذکر گردید، هدف دوم این تحقیق شناسایی موانع احتمالی موجود بر سر راه استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بود. در این راستا ۲ عامل که به نظر می‌رسید از عوامل محدودکننده استفاده از این تکنیک‌ها باشد، مورد بررسی قرار گرفت و از آزمون‌ها خواسته شد که تأثیر دو عامل پایین بودن سطح دانش و تجربه پرسنل مالی و فقدان سیستم اطلاعاتی مؤثر را بر استفاده از تکنیک‌های مدیریت مالی با استفاده از معیار درجه‌بندی ۱ الی ۵ (که در آن ۱ معرف بسیار کم و ۵ معرف بسیار زیاد بود) مشخص نمایند.

بر مبنای نتایج تحقیق میزان تأثیر این دو عامل در محدود نمودن استفاده هر یک از تکنیک‌های مدیریت مالی بیش از ۳ بود که می‌تواند بیانگر اهمیت زیاد تأثیر این دو عامل در محدود نمودن استفاده از تکنیک‌های مذکور باشد. هر دو عامل فوق بیشترین تأثیر را در محدود نمودن استفاده از تکنیک ارزیابی قیمت سهام دارند.

دو مورد از عواملی که به نظر می‌رسید در شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران محدود کننده استفاده از تکنیک‌های مدیریت مالی باشند، تحت عنوان فقدان سیستم اطلاعاتی مؤثر و پایین بودن سطح دانش و تجربه پرسنل مالی شناسایی شدند در این تحقیق از آزمودنی‌ها خواسته شد که با استفاده از معیار درجه‌بندی:

۱- بسیار کم

۲- کم

۳- متوسط

۴- زیاد

۵- بسیار زیاد

مبادرت به سنجش میزان تأثیر هر یک از عوامل فوق در میزان استفاده از هر یک از تکنیک‌ها نمایند. جدول شماره ۳ میانگین و انحراف استاندارد را برای هر یک از تکنیک‌ها به معرض نمایش می‌گذارد.

از نظر میزان تأثیر فقدان سیستم اطلاعاتی مؤثر بر استفاده از تکنیک‌ها، ارزیابی قیمت سهام و مدیریت دارایی‌های جاری به ترتیب از بیشترین و کمترین محدودیت برخوردار بودند و رتبه‌های ۱ و ۱۱ را بخود اختصاص دادند. رتبه‌های ۲ الی ۶ به ترتیب به تکنیک‌های تجزیه و تحلیل نقطه سرسبز، تجزیه و تحلیل اهرم‌ها، بودجه‌بندی نقدی، بودجه‌بندی عملیاتی و تجزیه و تحلیل نسبت‌ها تعلق گرفتند. تعیین سیاست‌های تقسیم سود، تعیین ساختار سرمایه، مدیریت بدهی‌های جاری و بودجه‌بندی سرمایه‌ای به ترتیب مکان‌های ۷ الی ۱۰ را بخود اختصاص دادند. از نظر میزان تأثیر پایین بودن سطح دانش و تجربه پرسنل مالی بر استفاده از تکنیک‌ها، تجزیه و تحلیل اهرم‌ها و تجزیه و تحلیل نسبت‌ها، به ترتیب از بیشترین و کمترین محدودیت برخوردار بودند و رتبه‌های ۱ و ۱۱ را بخود اختصاص دادند.

جدول شماره ۳ - طبقه بندی تکنیک‌ها بر مبنای میزان تأثیر عوامل محدود کننده بر استفاده از آنها

رتبه	تکنیک	میانگین	انحراف استاندارد
	الف - بر مبنای میزان تأثیر فقدان سیستم اطلاعاتی مؤثر بر استفاده از تکنیک‌ها		
۱	ارزیابی قیمت سهام	۴/۱۳	۱/۱۰
۲	تجزیه و تحلیل نقطه سربسر	۳/۹۳	۱/۲۰
۳	تجزیه و تحلیل اهرم‌ها	۳/۸۵	۱/۲۱
۴	درجه بندی نقدی	۳/۷۸	۱/۲۷
۵	بودجه بندی عملیاتی	۳/۷۳	۱/۳۵
۶	تجزیه و تحلیل نسبت‌ها	۳/۶۷	۱/۳۱
۷	تعیین سیاست‌های تقسیم سود	۳/۶۵	۱/۳۵
۸	تعیین ساختار سرمایه	۳/۶۲	۱/۲۲
۹	مدیریت بدهی‌های جاری	۳/۶۲	۱/۰۶
۱۰	بودجه بندی سرمایه‌ای	۳/۶	۱/۱۸
۱۱	مدیریت دارایی‌های جاری	۳/۵۵	۱/۰۷
	ب - بر مبنای تأثیر پایین بودن سطح دانش و تجربه و پرسنل مالی		
۱	تجزیه و تحلیل اهرم‌ها	۳/۹۶	۱/۱۷
۲	تجزیه و تحلیل نقطه سربسر	۳/۸۴	۱/۱۷
۳	ارزیابی قیمت سهام	۳/۷۵	۱/۴۴
۴	تعیین ساختار سرمایه	۳/۶۵	۱/۳۹
۵	بودجه بندی سرمایه‌ای	۳/۶۵	۱/۲۴
۶	بودجه بندی عملیاتی	۳/۶۵	۱/۱۳
۷	تعیین سیاست‌های تقسیم سود	۳/۶۴	۱/۴۵
۸	بودجه بندی نقدی	۳/۶۲	۱/۲۴
۹	مدیریت بدهی‌های جاری	۳/۶	۱/۲۲
۱۰	مدیریت دارایی‌های جاری	۳/۶	۱/۲۲
۱۱	تجزیه و تحلیل نسبت‌ها	۳/۶	۱/۳۲

رتبه‌های ۲ الی ۶ به ترتیب به تکنیک‌های تجزیه و تحلیل نقطه سربسر، ارزیابی قیمت سهام، تعیین ساختار سرمایه، بودجه‌بندی سرمایه‌ای و بودجه‌بندی عملیاتی تعلق گرفتند. تعیین سیاست‌های تقسیم سود، بودجه‌بندی نقدی، مدیریت بدهی‌های جاری و نهایتاً مدیریت دارایی‌های جاری به ترتیب مکان‌های ۷ الی ۱۰ را بخود اختصاص دادند.

اطلاعات عمومی

در رابطه با اطلاعات شخصی مربوط به سوابق آزمودنی‌ها، تقریباً ۹۷ درصد آنها از مدارج تحصیلی بالایی برخوردار بودند و رشته تحصیلی ۸۵ درصد از آنان حسابداری بود. همچنین ۷۵ درصد آنان در سمت‌های بالای مدیریتی شرکت‌ها (مدیر مالی و معاون مالی - اداری) مشغول به کار بوده و ۶۹ درصد آنها از سابقه کار بیش از ۵ سال برخوردار بودند. علاوه بر آن ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان نیز سابقه کار تحلیل‌گر مالی داشتند. این سوابق برجسته می‌تواند به طور نسبی تضمین‌کننده کیفیت اطلاعات جمع‌آوری شده در تحقیق شود و اعتبار یافته‌ها را بهبود بخشد. همچنین اطلاعات فوق بیانگر زمینه مساعد استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی در سطوح مسئولین مالی شرکت‌های تابعه می‌باشد، به طوری که اگر مدیران سطوح عالی شرکت‌های تابعه اهمیت استفاده از این تکنیک‌ها را در جهت اخذ تصمیمات صحیح مد نظر قرار داده و امکانات لازم برای آموزش نیروهای انسانی زیر نظر این افراد را نیز فراهم سازند، تصمیم‌گیری‌های آنها به لحاظ استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مالی در جهت استفاده بهینه از منابع سازمانی و به حداکثر رساندن ثروت سهامداران پیش خواهد رفت.

محدودیت‌های تحقیق

جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق از طریق پرسشنامه انجام گرفت. افراد انتخاب شده جهت پاسخگویی پرسشنامه مسئولین مالی شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران می‌باشد. محدودیت‌های این تحقیق را در دو مورد می‌توان شناسایی کرد. مورد اول، چون روش جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه کتبی است، از این‌رو نتایج حاصله از

محدودیت‌های ذاتی پرسشنامه کتبی برخوردار است. مورد دوم، عدم دریافت پاسخ به پرسشنامه از طرف آن تعداد از مدیران مالی که در نمونه آماری وجود داشتند ولی در این تحقیق همکاری نکردند، ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج حاصله را محدود کند. دیگر محدودیت اینکه تعمیم‌پذیری نتایج تنها به شرکت‌هایی که از شباهت محتوایی با جامعه تحقیق برخوردار باشند امکان‌پذیر می‌باشد. نهایتاً، تعدادی از شرکت‌های تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی ایران به دلایلی در جامعه آماری قرار نگرفتند. از اینرو، تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق به آن گروه شرکت‌ها از محدودیت‌هایی برخوردار بوده و می‌باید با دقت خاص انجام گیرد.

توصیه برای تحقیقات آتی

از آنجایی که انتظار می‌رود انجام تحقیقاتی از این قبیل راه‌گشای بکارگیری تکنیک‌های مورد بررسی گردد، لذا بررسی میزان استفاده از تکنیک‌های حسابداری مدیریت نیز به عنوان یک موضوع تحقیق پیشنهاد می‌گردد.

منابع و مأخذ

- 1- N. Azad, Ali, "Time-Budget Pressure and Filtering of Time Practices in Internal Auditing - A Survey," *Managerial Auditing Journal*, (December 1994), pp. 3-11.
- 2- Berry, R. H. and S. Nix, "Regression Analysis vs. Ratio in the Cross Section Analysis of Financial Statements," *Accounting Behavioral Research*, (Spring 1991), pp. 107-118.
- 3- Pandey, I. M., *Essentials of Financial Management*, Vicks Publishing, (1996), pp. 5-7.
- 4- Pike, R. H., "An Empirical Study of Adoption of Sophisticated Capital Budgeting Practices and Decision Making Effectiveness," *Accounting Behavioral Research*, (Autumn 1988), pp. 341-351.